

مهربان کردستان

گفت‌وگو با بهرام مهربان کردستان

دبیر هنر مدارس سنندج

گفت‌وگو از محمدرضا حشمتی، نصرالله دادار
عکاس: فرهاد مطاعی

آقای بهرام مهربان کردستان، دبیر هنر دبیرستان‌های شهر سنندج، کارشناس هنرهای تجسمی، دارنده گواهی‌نامه درجه ۲ هنری (معادل کارشناسی ارشد) و از نگارگران معروف این شهر است. وی در سال ۱۳۵۱ در شهر سنندج متولد شد. پس از تحصیل در دانشسرای تربیت معلم این شهر، در سال ۱۳۷۰ به استخدام آموزش و پرورش در آمد و اکنون با ۲۵ سال کار در مدارس، دارای ۲۸ سال سابقه خدمت (با احتساب دوره تحصیل در دانشسرا) می‌باشد. طی ۲۵ سال گذشته آقای مهربان که به صورت تخصصی در رشته نقاشی ایرانی یا نگارگری مشغول فعالیت بوده از سال ۱۳۸۰، آموزش این رشته را در شهر سنندج پایه‌گذاری کرده است. آقای مهربان کردستان چندین بار موفق شده است رتبه اول کشوری را در مسابقات رشته نگارگری کسب کند. او در سال ۲۰۱۴ میلادی نیز موفق شد رتبه اول هفتمین جشنواره نگارگری - تذهیب را در میان ۳۴ کشور شرکت‌کننده جهان کسب نماید.



علاقه داشتیم، اما در دانشسرا بود که تحت تأثیر یکی از دبیران به‌طور جدی به آن پرداختم. ایشان آقای محمد صابر، یکی از پیش‌کسوتان رشته خوش‌نویسی در شهر سنندج، و دبیر خوش‌نویسی ما بود. در آن زمان، من در صفحات داخل کتاب خوش‌نویسی می‌کردم و با خودکار دو خط می‌کردم و آن را سایه می‌زدم. از همان جا بود که جرقه علاقه به هنر و ادامه تحصیل در این رشته در ذهن من زده شد. لذا بعد از یک سال کار در روستای بیاران، در رشته هنر، برای ادامه تحصیل در دوره کاردانی هنر - در مراکز تربیت معلم شهید دستغیب و شهید مطهری تهران - امتحان دادم که پذیرفته شدم و به تهران رفتم. بعد از فارغ‌التحصیل شدن یک سال به‌عنوان معلم هنر تدریس کردم و باز از سال ۱۳۷۴ در مرکز ضمن خدمت فرهنگیان در دوره کارشناسی هنرهای تجسمی ادامه تحصیل دادم که در سال ۱۳۷۶ به پایان رسید. مدرک

آقای مهربان! شما در چه سالی معلم شدید؟ چگونه؟

من قبل از اینکه معلم شوم مدیر مدرسه شدم. قصه از این قرار است که در سال ۱۳۷۰، بعد از اتمام دوره دانشسرای تربیت معلم، همه کسانی را که از دانشسرا فارغ‌التحصیل شدند و من هم یکی از آنها بودم به میوان منتقل کردند. در آنجا ۵ یا ۶ نفرمان را به یک روستا به نام بیاران، که بزرگ‌ترین روستای غرب کشور بود، فرستادند تا در دبستان آن روستا کار کنیم. آنجا بین خودمان تقسیم کار کردیم تا مدرسه را اداره کنیم و من مدیر مدرسه شدم. آن دبستان ۵۳۳ دانش‌آموز داشت. بنابراین علاوه بر ۵ یا ۶ نفری که از دانشسرا آمده بودیم، ۵ سرباز معلم و ۳ پاسدار معلم هم داشتیم. یعنی جمعاً حدود ۱۵ نفر معلم بودیم.

چطور شد که معلم هنر شدید؟ من از دوره راهنمایی به خوش‌نویسی

کارشناسی‌ام را گرفتم و از آن زمان تا کنون در رشته هنر تدریس می‌کنم. باید اضافه کنم در سال ۱۳۷۱ در مرکز تربیت معلم شهید مطهری، اسناد بی‌نظیری داشتیم به نام آقای ابوالفضل ذابح که درس آشنایی با هنرهای سنتی ایران را فوق‌العاده زیبا تدریس می‌کرد و او بود که جرقه علاقه به نگارگری را هم در من زد. کلاس او به‌گونه‌ای بود که من برای ضبط صدای ایشان واکمن تهیه کردم؛ فوق‌العاده جذاب تدریس می‌کرد.



من با وجدان
کار می‌کنم
و این اعتقاد
من است. به
نظر من باید
کار را درست
انجام بدهیم

حرمت، ارج
و عظمت
کلمه معلم
چیزی فراتر
از مادیات
است

◀ آقای مهربان! نامتان که مهربان است. آیا با بچه‌ها هم واقعاً مهربانید؟

حقیقت این است که اگر از بچه‌ها بپرسید ممکن است، بگویند مهربان نیست؛ چون من در کلاس سخت‌گیر و جدی هستم. من کارم را خیلی خیلی سر کلاس جدی می‌گیرم. اگر از همکاران، مدیران و معاونانی که با آن‌ها کار کرده‌ام بپرسید خواهید دید که مرا به‌عنوان یک معلم سخت‌گیر می‌شناسند. واقعاً هم اعتقاد من این است که هر کاری باید جدی و درست انجام گیرد. اگر چه اولیا و متولیان امور تقریباً برای هنر در جامعه و مدارس ما ارزش چندانی قائل نباشند اما من خیلی در کارم جدی هستم و به آن اهمیت می‌دهم و معتقدم، دانش‌آموزی که یک ساعت و نیم را در کلاس سپری می‌کند حتماً باید یک چیزی یاد بگیرد و برود.

◀ آیا بچه‌ها تفاوت جدی بودن و مهربان بودن را درک می‌کنند؟

به نظرم بله. چون من در آخر هر سال از بچه‌ها می‌خواهم که در آخرین جلسه، هر چه می‌خواهند و دوست دارند درباره‌ام بنویسند.

از شیوه تدریس و اخلاقم گرفته تا آمد و رفتم. به آن‌ها می‌گویم نوشته‌تان مطلقاً اسم و امضا نداشته باشد. زیرا تعریف کردن تأثیری در نمره پایان سال نخواهد داشت. بعضی از مطالب واقعاً خوب را جمع‌آوری کرده‌ام که تا به امروز نگه‌داشته‌ام.

اغراق نباشد، در این ۲۵ سال، حتی یک بچه حرف بدی ننوشته است. البته نوشته‌اند که سخت‌گیرم اما به بدی یاد

نکرده‌اند. بچه‌ها عموماً می‌گویند روزهای اول کلاس شما خیلی برایمان سخت بود، ولی حالا که می‌بینیم خطمان خوب شده است و چیزهایی یاد گرفتیم و طراحیمان خوب شده راضی هستیم. همین برای من بس است. چرا که هر دانش‌آموز یک مهارتی یاد گرفته است.

◀ در جریان هستید که امسال سومین سالی است که کتاب‌های هنر هم تغییر کرده و تغییر ماهوی در آن‌ها صورت گرفته است. آیا شما از این تغییرات راضی هستید؟

از اینکه بخش زیادی را به هنرهای ایرانی اختصاص داده‌اند، راضی هستم. چون رشته تحصیلی خودم بوده است. مثلاً قسمت هندسه نقوش، که مربوط به نگارگری ایرانی است و نیز خوش‌نویسی خیلی خوب است. هنرهای سنتی از این جهت ارزش دارد که اگر شما به مدرن‌ترین کشورهای جهان هم توجه کنید می‌بینید به آن توجه می‌شود؛ مثل کشور ژاپن.

کتاب هنر جدید از نظر آن بخشی که به هنر خوش‌نویسی و هنرنگارگری، که هنری بسیار ریشه‌دار در ایران است، و نیز معماری، فرش و گلیم، بسیار ارزشمند است.

این به هویت ملی ما خیلی کمک می‌کند و من این قسمت از کتاب را خیلی دوست دارم؛ ولی از آن نظر که می‌توانست بهتر باشد ناراضی‌ام. چون وقتی با سایر همکاران صحبت می‌کنم می‌بینم که بخش‌هایی از کتاب مناسب سن و سال دانش‌آموزان آن پایه نیست. مثل بخش عکاسی یا میحث خوش‌نویسی، همه خوش‌نویسان اذعان دارند که حتی جملات انتخاب شده برای دانش‌آموزان سنگین است.

◀ مفاهیم سخت است یا شیوه بیان و نگارش آن مفهومی‌ها؟

هر دو. چون مثلاً در خوش‌نویسی، باید مفاهیم و جملاتی انتخاب شود که متناسب با فیزیک دست دانش‌آموز و سن او باشد. باید به این نکات توجه می‌کردند و سپس دست به انتخاب می‌زدند. این است که از نظر من کتاب هنر خیلی خوب و غنی است اما برای یک آدم باسواد مناسب است! میحث معماری کتاب هنر هم خارج از اطلاعات دبیران

ماست. واقعاً کدام یک از دبیران اطلاعات معماری دارند؟ راجع به هندسه نقوش که یک کار بسیار تخصصی است، کدام یک از همکاران اطلاعات دارند؟ گلچین‌هایی که انتخاب کرده‌اند و از هنرهای مختلف در کتاب آورده‌اند، خوب است اما بسیار سنگین است. می‌بایست با یک زبان همه فهم این مطالب نوشته می‌شد. ممکن است این کتاب برای پاره‌ای از دانش‌آموزان که در تهران هستند با آن حجم از اطلاعات و امکانات مفید باشد اما برای دانش‌آموزان شهرستانی همچون سمنان مناسب نیست.

شما در قسمت آموزش طراحی کتاب اصلاً یک اثر که طراحی شده باشد نمی‌بینید. برای میحث طراحی فقط از عکس استفاده کرده و یک آرشو از عکس‌های میوه، گل و پرنده در کتاب آورده‌اند، در صورتی که اصل بحث طراحی است و هدف آن این است که دانش‌آموز حس کند اثر طراحی با مداد است. جای تعجب است که بدون آوردن آموزش طراحی و اینکه خط چیست، انواع طراحی چیست، سایه روشن چگونه است. حجم چیست و چگونه باید ایجاد شود، به میحث طراحی پرداخته است. این مشکل در بحث نقاشی هم دیده می‌شود و این‌ها از ایرادات و اشکالات کتاب می‌باشد. ولی در کل برای کتاب‌های جدید زحمت کشیده‌اند و نسبت به کتاب قبل چند پله به جلو آمده و بهتر شده است ولی می‌توانست بیش از این‌ها بهتر شود.

◀ آیا شما روش خاصی در تدریس درس نگارگری دارید؟ برای اینکه تأثیر خوبی روی دانش‌آموزان داشته باشید و





امر یادگیری آنان به خوبی پیش برود، چه روشی را انتخاب کرده‌اید؟

ساده‌ترین روشی که طی این سال‌ها به آن رسیده‌ام این است که از شکل‌های هندسی به سمت شکل‌های پیچیده رفته‌ام؛ و این آموزش و یادگیری را فوق‌العاده آسان می‌کند. در کتاب‌های سال اول، دوم و سوم بحث آموزش هندسه نقوش آمده است. در هندسه نقوش اکثراً بحث از شکل‌های هندسی است که از طریق ریاضی ترسیم می‌شوند؛ یعنی با خط کش و پرگار روی این شکل‌ها کار می‌شود و از طریق رسم هندسی اجرا می‌شوند.

بچه‌ها این کار را دوست دارند و می‌خواهند مدام آن را انجام دهند. چون تکرار می‌شود، قرینه‌سازی می‌شود و شکل تکمیل می‌شود و بسیار راحت است. هندسه نقوش یکی از هنرهای قدیمی ماست و بیشترین استفاده آن هم در هنر معماری است. در کتاب هم تصاویری از آثار معماری که این نقوش در آن‌ها استفاده شده گنجانده شده است. اما در پاسخ به سؤال شما که پرسیدید در هنر به چه طریقی کار کنیم که یادگیری دانش‌آموزان راحت‌تر باشد، عقیده‌ام این است که باید از هندسه نقوش شروع کنیم و بعد به سراغ کارهای پیچیده‌تر برویم تا دانش‌آموز راحت‌تر به نتیجه برسد و این برایش لذت‌بخش‌تر است. مثل شکلی نیست که وسیله‌ای در اختیارش قرار می‌دهیم و می‌گوییم آن را بکشید. چون تخیل در این سن و سال سخت است. من این نقوش ساده را برایشان روی تخته می‌کشم و آن‌ها تمرین و تکرار می‌کنند و بعد از آن در ارتباط با نحوه رنگ‌آمیزی و رنگ‌های سنتی و اصیل ایرانی توضیح می‌دهم و خودشان رنگ‌آمیزی می‌کنند که خیلی هم برایشان لذت‌بخش است. بعد از اتمام این نقوش ساده کم‌کم به سراغ نقوشی که در گلیم، قالی و سفال‌های ماست می‌رویم.

بعد از آن هم مینیاتور و نقاشی را شروع می‌کنیم. شروع کردن با نقوش ساده‌تر باعث موفقیت بیشتر دانش‌آموزان می‌شود تا اینکه مستقیم به سراغ شکل‌هایی برویم که ذهنیت بچه‌ها با آن آشنا نیست و هنوز آن شکل و اساس آن را پیدا نکرده‌اند و برایشان سنگین است.

این بحث فوق‌العاده وسیع است، اما در کتاب فقط چند طرح فوق‌العاده ساده برای آن آورده‌اند. من خودم بعضی از کتاب‌هایی را که در ارتباط با نقوش است می‌آورم و کپی تهیه می‌کنم و فراتر از بحث کتاب با بچه‌ها کار می‌کنم.

◀ آیا ذهن بچه‌ها به سمت استفاده از نرم‌افزارها نرفته است؟ می‌خواهم بدانم از امکانات پیشرفته به‌عنوان فرصتی برای جذاب‌تر کردن هنر و ارائه آن استفاده نمی‌کنید؟

چرا می‌توان استفاده کرد؛ ولی بنده ۱۷ سال در مدرسه اقبال لاهوری و امیرکبیر در حاشیه شهر بودم. نصف بچه‌های آن مدارس کسانی بودند که از روستا می‌آمدند. این‌ها تنها وسیله‌ای که می‌توانستند برای درس هنر تهیه کنند یک مداد B۶ بود که برای طراحی استفاده می‌شد. حتی مداد رنگی نداشتند. B۶ برای سایه و روشن در طراحی استفاده می‌شد.

◀ هیچ امکاناتی جزء یک مداد «B۶» نداشتند؟

خیر، من می‌توانستم اجبارشان کنم که وسایل و لوازم را تهیه کنند. اما بچه‌های روستا وسیع مالی خوبی نداشتند. خوب این قضیه را با بعضی از شهرهای دیگر مقایسه کنید. بسیار تفاوت دارد. من حتی معذب بودم که به این بچه‌ها بگویم جعبه مداد رنگی بیاورند. کل کار ما برای درس طراحی و نقاشی با یک دفتر و یک مداد B۶ انجام می‌شد؛ برای کار خوش‌نویسی هم یک قلم نی، یک شیشه مرکب و یک دفتر خوش‌نویسی تهیه می‌کردند. قبل از اینکه کتاب هنر عوض شود من فقط

در همه جای دنیا رشته هنر مهم است. چرا ما نباید به هنر اهمیت بدهیم؟

این دو تا رشته را با بچه‌ها کار و تمرین می‌کردم. بچه‌هایی که از سال اول با من بودند تا پایان سال سوم همراه من بودند و با روش و شیوه کارم آخت پیدا کرده بودند و سه سال همراهی یک دانش‌آموز با یک معلم در میزان یادگیری او تأثیر فراوانی دارد.

این از نکاتی است که بنده در درس‌های عملی واقعاً به آن اعتقاد دارم و معتقدم بابت درس‌های عملی یک دبیر باید بچه‌ها را تا پایان سه سال همراهی کند تا پیشرفت و نتیجه کار به نحو مطلوب حاصل شود.

◀ آقای مهربان! در طی این ۲۵ سال چقدر توانسته‌اید بچه‌ها را به هنر علاقه‌مند کنید؟

تعدادی هستند که در رشته‌های هنری فعالیت می‌کنند و با آن‌ها ارتباط دارم مخصوصاً موسیقی. نه موسیقی محلی بلکه سازهای غربی، البته سازهای محلی هم کار می‌کردند. یک تعداد به سمت نقاشی گرایش پیدا کردند ولی در حقیقت تعدادشان خیلی کم است. به این دلیل که وضعیت هنر مثل رشته‌های دیگر شهرها از لحاظ درآمدزایی، که بحث فوق‌العاده مهمی است، خوب نیست. اگر اکثر خانواده‌ها را نگاه کنید از بچه‌ها می‌پرسند: حالا که فوق‌دیپلم این رشته (نگارگری ایرانی) را گرفته‌ای چه فایده‌ای دارد؟ آخرش چی؟ یا...

◀ این مسائل چقدر انگیزه کاری خودتان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

انگیزه‌ام را کم می‌کند و این طبیعی است. در همان مدارس که عرض کردم، البته به ندرت، پیش می‌آمد که به‌خاطر



نمرات پچه‌ها با بعضی از همکاران، مخصوصاً مدیر، تنش‌هایی ایجاد می‌شد.

◀ آیا انگیزه شما آنقدر کم می‌شود که اگر به گذشته برگردید ممکن است دیگر دبیر هنر نشوید؟

خیر. من باز هم دبیری هنر را انتخاب می‌کنم. به رشته دیگری علاقه ندارم و نمی‌توانم کار کنم.

◀ از خودتان راضی هستید و احساس مفید بودن می‌کنید؟

بله، خیلی. از این جهت که واقعاً برای تدریس کردن و آموزش دادن به دانش‌آموزان از جانم مایه می‌گذارم. اصلاً به این مسئله که حقوق دریافتی‌ام کفاف زندگی‌ام را می‌دهد یا خیر، توجه نمی‌کنم و در کلاس‌م در حد زیادی از خودم مایه می‌گذارم و به این مسئله که حقوقم کمتر از تلاشی است که می‌کنم، توجه ندارم. چون قبول کرده‌ام که شغل من معلمی است و این ربطی به عملکردم و نحوه آموزش من نسبت به بچه‌ها ندارد که حقوقم کم یا زیاد است. اگر روزی تشریف بیاورید و کلاس‌م را از نزدیک مشاهده کنید، خواهید دید که من با وجدان کار می‌کنم و این اعتقاد من است. به نظر من باید کار را درست انجام بدهیم و کم‌فروشی نکنیم. در یک کلام در هر شغلی که هستییم کم‌فروشی نکنیم.

◀ چه عواملی باعث پای‌بندی شما به

تعهدات معلمی می‌شود؟

عرفی که به رشته‌ام یعنی به هنر دارم. اعتقاد من این است که باید رشته هنر را که ۲۵ سال از عمرم را شبانه روز صرف آن کرده‌ام در مدارس جا بیندازیم. رشته هنر به اندازه سایر دروس چون ریاضی و علوم مهم است.

در همه جای دنیا رشته هنر مهم است.

چرا ما نباید به هنر اهمیت بدهیم؟

◀ اشاره‌ای داشتید که اگر باز هم به گذشته برگردید، با وجود این همه مشکلات، باز هم معلم می‌شوید. چرا؟

من همیشه سعی می‌کنم به نکات مثبت معلمی در مقابل سختی‌های آن فکر کنم. به اعتقاد من چیزی در نهاد هر کس وجود دارد که لایتغیر است. ممکن است چیزهایی در وجود هر کس به سمت بالا یا پایین تغییر کند اما خمیرمایه و جوهره اصلی وجود او در روز ازل نوشته یا سرشته شده است که این قسمت از وجود وی همواره با اوست. یعنی من باید معلم می‌شدم و آن هم معلم هنر و از این جنبه به کارم وارد شدم. موفقیت‌هایی که گاهی کسب کرده‌ام برایم دلگرم‌کننده بوده‌اند و باعث شدند به سمت جلو حرکت کنم. شما در یک جاهایی هم موفق می‌شوید و قدر شما را می‌دانند. این اتفاقات در زندگی هر کس مانند پله عمل می‌کند و باعث بالا رفتن او می‌شود. در کنارش یک رشته مسائل مایوس‌کننده و ناخوشایند هم وجود دارد که باعث توازن می‌شود. در مورد خودم، اتفاقات خوشایند بیشتر بوده و همین باعث دلگرمی و گرایش من به سمت امیدواری و ثابت قدمی در مسیر انتخابی‌ام شده است. من انگیزه‌های مثبت را بیشتر در خودم تقویت کرده‌ام که توانسته‌ام تا اینجا دوام بیاورم و به مسیرم ادامه بدهم.

◀ به نظر شما موانع عامل رشد هنر می‌شوند؟

حتماً. اگر به تاریخ هم نگاه کنیم در سال‌های پس از حمله مغول به ایران، با وجود تمام سختی‌ها، هنرمندها و ادیب‌ها رشد کردند. اصولاً اکثر آدم‌های بزرگ که در تاریخ مشهورند در شرایط سخت و بغرنج توانسته‌اند خلاقیت‌شان را بروز بدهند. این‌گونه نبوده که در شرایط بسامان و فوق‌العاده رشد کرده باشند.

البته در مقابل آن شرایط سخت، این مسئله هم بوده که اگر آثاری مثلاً در

حوزه نگارگری به‌وجود آمده در زمان‌هایی بوده که پادشاهان یک فراغتی برای هنرمندان ایجاد کرده‌اند تا آن‌ها مشغول خلق و آفرینش شدند. یعنی شرایط مؤثر است؛ همیشه هم این‌گونه نبوده که شرایط سخت باعث به‌وجود آمدن آثار ارزشمند شده باشد. در شرایط سخت هم هنرمندانی بودند که آثارشان در آن شرایط به‌وجود آمده و ارزشمند شده است. تاریخ پر است از این‌گونه آثار هنرمندان.

◀ پس نباید در مقابل سختی‌ها ناامید شد.

اصلاً. اگر ناامید می‌شدم که باید ۱۰ تا ۲۰ سال قبل کارم را رها می‌کردم. ولی بودنم در این جایگاهی که هستم نشان می‌دهد که جان سخت بوده‌ام!

◀ اگر یکی از شما سؤال کند که معلم شود یا نه، چه پاسخی به او می‌دهید؟

اگر او به این شغل فقط به‌عنوان منبع درآمد نگاه کند، به او می‌گویم وارد این حرفه نشود. می‌گویم مطلقاً وارد نشود که ضرر می‌کند. این یک واقعیت است. اتفاقاً خیلی از دانشجوهای می‌آیند و از من می‌پرسند استخدام معلم انجام می‌شود ما چه کنیم؟ من تمام تجربه‌ام را در چند جمله به آن‌ها می‌گویم. وضعیت معیشتی این‌گونه است. وضعیت آموزش و پرورش به این شکل است. اگر با علم به این مسائل می‌خواهد معلم شود بسم... مخصوصاً برای خانم‌ها، معلمی، با توجه به وضعیت جامعه ما خیلی خوب است، ولی اگر کسی به معلمی به‌عنوان یک شغل برای کسب درآمد نگاه کند به او می‌گویم انتخاب مناسبی نیست و بهتر است این شغل را انتخاب نکند بلکه با مدرکش به سراغ کار دیگری برود. حرمت، ارج و عظمت کلمه معلم چیزی فراتر از مادیات است.

◀ و در آخر یک خاطره شیرین؟

شبی من و چند نفر از دوستان همکارم در خودرویی نشسته بودیم، پلیس آمد و از ما کارت شناسایی خواست. من قبل از اینکه کارت‌م را بدهم گفتم همه ما معلمیم! پلیس بسیار عذرخواهی کرد و گفت کلمه معلم برای من مقدس است؛ خدا نگهدار. این رفتار آن مرد پلیس برخلاف تصویری که ما از نظامی و پلیس داریم، برایم غیرمنتظره بود. معلمی برای کسی که اهل درک و فهم و بصیرت باشد، مقدس است و هیچ‌کاری جای معلمی را نمی‌گیرد. این مطلب برای من نه شعار است و نه تظاهر.